

## سرنگونی رژیم آپارتاید جمهوری اسلامی نزدیک است



الهه علی صفت بلوبینی

وقتی صحبت از انسان، از جامعه، از آزادی های فردی و اجتماعی به میان می آید، حداقل حقوق انسانی که همانا زیستن و زندگی کردن آزادانه است، در ذهن نمایان می شود، اما وقتی حکومتی مذهبی بر انسانها و جامعه مسلط است، باید چه تعریفی از انسان ارائه داد؟

کشور خودمان ایران را مثال بزنیم، در رژیم جمهوری اسلامی انسان دارای چه تعریف و ارزشی است؟ بطور قطع وقتی این سوال را در برابر فقه های بزرگ جمهوری اسلامی قرار می دهید، تنها یک تعریف خواهند داشت، درجه التزام عملی و نظری افراد به ولایت (مطلقه) فقیه که نماینده ی بی چون و چرای خداوند بر روی زمین است، ارزش انسانها را تعیین می کند.

جمهوری اسلامی با این تعریف مذهبی و غیر بشری، قوانین قرون وسطانی

اسلام را بر زندگی یک جامعه شصت و پنج میلیونی حاکم کرده و آگاهانه و با نقد

انهدام مادی، فرهنگی و اجتماعی، جامعه ایران؛ شکنجه، اعدام، کشتار، ترور، زن ستیزی، آپارتاید جنسی، فقر و سیه روزی را برای مردم به ارمغان آورده است.

مطبوعات آزاد نیستند، تشکلهای کارگری مستقل ممنوع است، حق آزادی بیان معنا و وجود ندارد، آزادی ابزار شادی برای جوانان ممنوع و با خشونت و سرکوب رژیم مواجه می شود، آپارتاید جنسی در تمام شئون اجتماعی قانونمند شده است، زنان حق مسافرت بدون همراه را ندارند، هرگونه اعتراض با خشونت، زندان، شکنجه و اعدام مواجه می شود. رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی، دستآوردی بجز نکبت و تباهی برای مردم ایران نداشته است. جای شگفتی است که برخی از جریانات سیاسی با حمایت از باصطلاح اصلاح طلبان، در واقع از جمهوری اسلامی حمایت میکنند و در عین حال خود را سوسیالیست و طرفدار آزادی و برابری انسانها معرفی میکنند. هر دو جناح حاکم بر ایران مسئول مستقیم جنایت ها و تخریب میلیونی انسانها در ابعاد فاجعه آمیز هستند. همانقدر که خامنه ای به عنوان ولایت فقیه مسئول تباهی و جنایت هاست، خاتمی نیز مسئول و شریک می باشد. به لحاظ حقوق مدنی تفاوتی بین جناحهای حاکم بر ایران وجود ندارد. هر دو می خواهند نظامی را حفظ کنند که صدها هزار نفر را کشته و میلیونها نفر را برده ساخته است، قوانین ضد بشری و قرون وسطانی اسلامی و آپارتاید جنسی را به مردم تحمیل کرده است. دختران خردسال در مدارس نیز مجبور هستند که از حجاب استفاده نکنند و در کشور اسلام زده ایران تولد دختر شگون ندارد و در خرافات این فرهنگ به بدبختی فال گرفته می شود، طرح جداسازی زنان و مردان در حوزه های آموزشی و حرفه ای، بهداشتی، اجتماعی و سخنرانی های علمی، جشن ها، اتوبوس ها و اماکن عمومی در سطح وسیعی اجرا می شود، حتی طرح تاکسی با رانندگان زن، مخصوص زنان در دستور کار رژیم قرار دارد. دختران قانوناً و شرعاً در پوشش ازدواج در سنین بسیار پائین (۹ سالگی) مورد تجاوز قرار می گیرند و زن قانوناً به عنوان نیمه انسان شناخته می شود. شهادت یک زن نصف شهادت یک مرد ارزش دارد. محدودیت های تحمیل شده بر مردم و به خصوص زنان به عنوان موجودات درجه دوم و سوم، موج اعتراضات در عرصه های مختلف کارگری، زنان، جوانان و دانشجویان را دامن زده است. صحنه های به اعدام کشیده شدن مردم با جرثقیل در ملاء عام، شلاق زدن

جوانان در میداین عمومی و سنگسار زنان با موج اعتراض و انزجار مردم در ایران روبرو شده است، مردم ایران با این اعتراضاتشان اعلام کرده اند که شلاق زدن و اعدام در جهنمی که از برکت اسلام و جمهوری اسلامی در ایران برپا شده غیر انسانی است.

مردم از بی حرمت کردن انسانها، از کشتارها و اعدام ها به تنگ آمده اند و خواستار به زیر کشیدن کل این حکومت هستند، جنبش سرنگونی طلب در ایران در حال حرکت است، جنبشی که با شعار مرگ بر جمهوری اسلامی با صدای بلند می گوید، زنده باد آزادی و برابری، برقرار باد جامعه انسانی و آزاد. برای دفاع از حقوق زنان و بر علیه قوانین ضد زن و ضد انسانی که توسط طالبان های حاکم بر ایران به جامعه تحمیل شده است، باید با دفاع صریح از حقوق و آزادی های زنان و ابراز انزجار از قوانین آپارتاید جنسی از جنبش سرنگونی طلب حمایت کرد.

اما با سرنگونی رژیم آپارتاید جمهوری اسلامی، ما چه آلترناتیوی داریم؟ چه برنامه ای و چه هدفی داریم؟

بطور مسلم ما به عنوان کمونیست در مقابل، "دنیایی بهتر و زندگی بهتر" را به تمامی انسان هائی که خواهان آزادی و برابری هستند وعده می دهیم. ما از جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی کمونیستی حرف می زنیم و بطور صریح می گوییم هرکس آزادی، رفاه و برابری را طلب می کند، باید جمهوری سوسیالیستی را انتخاب کند. آلترناتیو دیگری نمی تواند به دنیا و زندگی بهتر مادیت ببخشد. جمهوری اسلامی را باید به همراه کل نظام تولیدی و اجتماعی که پاسدار آن است، یکجا از ریشه کند.

این حکم مردمی است که آزادی و برابری می خواهند، این حکم زنائی است که دیگر نمی خواهند هیچ نوع نابرابری، تبعیض و تحقیر را تحمل بکنند، حکم کارگری است که نمی خواهد نتیجه و یا محصول کارش به تاراج برود، حکم جوانائی است که آزادی ابزار شادی های خودشان را می خواهند، حکم تمام کسانی است که خواهان یک جامعه سکولار، انسانی و بدون از هر نوع تبعیض، استثمار و نابرابری هستند.

تردیدی نیست که این تبهکاران جنایت پیشه و حامیان رنگارنگ آنها در محکمه نه چندان دور زحمتکشان، تاوان عملکردهای ننگین خود را در هرکجای این سیاره که باشند خواهند پرداخت.

اتحاد اساسی و اصولی همه افراد و محافل و نیروها و گروه ها و سازمانهای سازش ناپذیر با رژیم و معتقد به برقراری جامعه انسانی و آزاد همچون شبی در عرصه این گیتی هستی به مثابه تضمین مرگ جنایتکاران بشر ستیز و ضامن پیروزی ماست. بی شک تحقق شعار سرنگونی جمهوری اسلامی و بنای جامعه ای انسانی و آزاد و عاری از هرگونه ظلم و ستم و بهره کشی از انسان به منزله بدیل آن، در گرو اتحاد ماست که شالوده اش بر اساس آشتی ناپذیری با نظم موجود و هر نظم مشابه آن پی ریزی شده باشد.

برقرار باد جامعه انسانی و آزاد

مرگ بر جمهوری اسلامی ، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

الهه علی صفت بلوبینی